

هدف کلی : آشنایی با جنگ ها و تقابل های جهانی

اهداف جزئی : جنگ های جهانی - شمال و جنوب (جهان اول و دوم و سوم - کشورهای توسعه یافته و عقب مانده - مرکز و پیرامون - استعمارگر و استعمارزده) .

مفاهیم اساسی : انواع جامعه از نظر قرآن - جنگ - نظر آگوست کنت در خصوص جنگ و گذشته و بعد از انقلاب صنعتی - جنگ امری ذاتی یا عارضی ؟ - جنگ جهانی اول و دوم - مهم ترین عامل جنگ - ریشه جنگ های جهانی - نظریه جنگ تمدن ها - واژه صلح و مشتقات آن - شمال و جنوب - جهان اول - جهان دوم - کشورهای توسعه یافته - کشورهای عقب مانده - مرکز و پیرامون - استعمارگر و استعمارزده - تقابل شمال و جنوب .

معانی لغات درس :

معنی	لغت	معنی	لغت	معنی	لغت
اصیل	اصالت	* امت واحد	متخاصم	دشمن	اصیل
برتری جویی	خودخواهی	تقابل	فاتحان	فتح کننده - پیروزی	برتری جویی
غنایم	وسایل جنگی	رخت بر می بندد	امری ذاتی	امری درونی	غنایم
امری عارضی	امری تحمیلی	ناسیونالیستی	لیبرالیستی	سرمایه داری	امری عارضی
سوسیالیستی	جامعه گرا	تسلیمات نظامی	تهدید	ترس	سوسیالیستی

* **امت واحده :** ملت یا جامعه ای مذهبی که تحت لوای هدایت یک پیامبر قرار دارد این واژه در قرآن کریم ۶۵ بار به صورت مفرد یا جمع آمده است .

..... مقدمه : صفحه ۸۳

قرآن کریم در توصیف جنگها دو نوع جامعه را معرفی می کند :

● **۱- جامعه ای که در آن هر نوع جنگ و ستیز و نزاع بر سر خون ، نژاد ، ملیت ، جغرافیا و... از بین می رود و همه بر مدار آرمان حقیقی و اصیل جمع می شوند .** (قرآن کریم می فرماید همانا شما یک امت واحد هستید و من پروردگار شما هستم .) **سوره مومنون آیه ۵۲**) ۲- جامعه ای که به گروهها و دسته های متخاصم (دشمن) تجزیه می شود و امکانات گروهی پراکنده و ظرفیت ها و نیروهای انسانی نابود می گردد . (قرآن می فرماید فرعون در زمین برتری جویی کرد و اهالی اش را گروه گروه کرد و گروهی را به ضعف و ناتوانی کشاند) **سوره قصص آیه ۴** .

● **جنگها در گذشته و منشاء آن :** جنگها در گذشته پدیده ای اجتماعی بود و امپراتوری ها اغلب در گذشته با پیروز شدن در جنگها مرزهای خود را تعیین و گسترش می دادند و برخی از جنگها ریشه مذهبی و دینی داشت یا برای آن توجیه دینی داشتند .

● **نظر آگوست کنت در باره جمع آوری ثروت در گذشته و امروزه :** از نظر آگوست کنت در گذشته فاتحان با جمع آوری غنائم به ثروت خود می افزودند . اما با رشد علم تجربی و صنعت جوامعی با تسلط بر طبیعت ثروت کسب کردند .

● **نظر آگوست کنت در باره جنگ بعد از انقلاب صنعتی :** بعد از انقلاب صنعتی جنگ از زندگی بشر برداشته می شود و جنگ

دیگر در جامعه غربی ذاتی نیست بلکه **عارضی و تحمیلی** است. اما وقوع دو جنگ جهانی **اول و دوم** در نیمه اول قرن ۲۰ که در غرب رخ داد **اشتباه** بودن نظریه آگوست کنت را نشان داد.

● این دو جنگ بزرگترین جنگ بود که در تاریخ بشریت ثبت شده که **صدها میلیون نفر** از بین رفتند که در جنگ جهانی اول از **سلاح های شیمیایی** و در جنگ جهانی دوم از **بمب اتمی** استفاده شد.

● مهم ترین عامل جنگ های جهانی رقابت دولتهای اروپایی بر سر **مناطق استعماری** بود.

● **منشا دو جنگ جهانی**: ریشه مذهبی نداشت. حتی طرفهای درگیر برای رفتار خود توجیه دینی و مذهبی نداشتند بلکه رفتارهای خود را در قالب ایدئولوژی **لیبرالیستی**، **ناسیونالیستی** و **سوسیالیستی** توجیه می کردند پس این دو جنگها ریشه در **فرهنگ غرب** داشت.

● این دو جنگ فقط کشورهای اروپایی و غربی را درگیر نساخت بلکه همه کشورها درگیر این جنگ شدند و پس از جنگ هم صلح پایدار رخ نداد.

● **جنگ سرد**: پس از پایان جنگ بین دو بلوک شرق و غرب جنگ سرد رخ داد. هرچند که دو بلوک در برابر مناطق تحت نفوذ خود هنوز جنگ گرم داشتند اما در برابر یکدیگر **جنگ سرد** برقرار بود. یعنی اقتصاد صنعتی خود را به تولید **تسلیحات نظامی** اختصاص داده بودند. و جنگ سرد با **فروپاشی شوروی** و **بلوک شرق** به اتمام رسید.

● **نظریه پردازان غربی** بعد از فروپاشی شوروی و بلوک شرق معتقدند که جنگ هرچند که بین بلوک شرق و غرب به اتمام رسید اما به فرهنگ ها و تمدن هایی انتقال یافت که در دوره استعمار تحت سلطه جهان غرب بودند.

● **نظریه جنگ تمدن ها**: این نظریه را **ساموئل هانتینگتون** مطرح کرد هنگامی که جوامع غربی پس از اتمام جنگ سرد عملیات جنگ و خونریزی نسبت به جوامع غیر غربی که تحت نفوذ آنها بود آغاز کردند. این فرهنگ و تمدن ها که اغلب هم اسلامی اند مثل سوریه، لبنان، قطر، ایران و... در برابر غرب مقاومت نمودند از نظر هانتینگتون در این جنگ مانند جنگ جهانی و جنگ سرد رقابت و درگیری بین دولت ملتها نیست بلکه رقابت و درگیری بین **فرهنگ و تمدن** است نه دولت ملتها. و در این جنگ **فرهنگ و تمدن اسلامی بزرگترین تهدید برای غرب** است. در دو جنگ جهانی و جنگ سرد بین دو بلوک شرق و غرب که در راس آن دو دولت قدرتمند **آمریکا و شوروی** بود هر دو بر سر **مناطق استعماری** رقابت داشتند اما در نظریه جنگ تمدن ها رقابت بین دولت ملتها نیست بلکه رقابت و درگیری بین فرهنگ و تمدن هاست و **فرهنگ اسلامی بزرگترین تهدید برای غرب** تلقی شده است.

..... **بخوانیم و بدانیم**: صفحه ۸۶ و ۸۷

● واژه صلح و آشتی در مقابل جنگ و نزاع به کار می رود ولی صلح فقط به معنای نبود نزاع و جنگ نیست بلکه معنای عمیق تر و وسیع تر دارد.

● صلح یکی از ارزش های بشری است که همواره در معرض خطر جنگ قرار دارد به همین دلیل ما انسانها همواره در حفظ آن باید بکوشیم.

● اولین پیام هر مسلمان بر برخورد با دیگران سلام است. ریشه سلام سلم است و به معنی درستی است. خواه در جسم و خواه در روان انسان. سلم در قران در برابر جنگ و صلح در برابر اختلاف به کار گرفته شده است. اسلام و اصلاح به معنای رفع جنگ و اختلاف است.

● واژه صلح و مشتقات آن ۱۸۰ بار در قرآن کریم تکرار شده است .

گفتگو کنید

صفحه ۸۷

۱- شما وضعیت نظام جهانی موجود را از نظر استقرار صلحی پایدار ، چگونه توصیف و ارزیابی می کنید ؟ آیا عملکرد سازمان ملل در این زمینه کارساز بوده است ؟ دلایل خود را ذکر کنید .

جواب : خیر زیرا همواره شاهد تهدید و جنگ از سوی جوامع غربی هستیم .

۲- در باره ی پیامدهای اقتصادی جنگ جهانی اول پیامدهای جنگ جهانی دوم در ایران گفتگو کنید .

جواب : پیامد جنگ جهانی اول : قحطی - فقر - ادامه حضور روس ها در آسیای میانه . پیامد جنگ جهانی دوم : تقسیم ایران به شمال ، جنوب و مرکز - تهدید نظامی و افزایش بیماری ها .

صفحه ۸۸ تا ۸۹

شمال و جنوب

● **تقابل شمال و جنوب :** کشورهای صنعتی و ثروتمند که در نیمکره شمالی زندگی می کنند به عنوان **شمال** تلقی می شوند و کشورهای فقیر که در نیمکره جنوبی زندگی می کنند به عنوان **جنوب** محسوب می شوند . (تقابل شمال و جنوب به عنوان تقابل فقیر و غنا نام گذاری می شود) .

● اصطلاح شمال و جنوب **بعد از جنگ جهانی** به کار گرفته شد . زیرا اندیشمندان معتقدند که **چالش اصلی فقر و غنا** است نه چالش بلوک شرق و غرب .

برخی از اصطلاحات چالش شمال و جنوب :

● **جهان اول ، جهان دوم و جهان سوم :** جهان اول یعنی کشوری سرمایه دار بلوک غرب - جهان دوم یعنی کشورهایی که در کانون بلوک شرق اند و جهان سوم کشورهایی که نه جزء بلوک غرب اند و نه جزء بلوک شرق اند بلکه یا تحت نفوذ بلوک غرب اند و یا تحت نفوذ بلوک شرق اند .

● **کشورهای توسعه یافته و کشورهای عقب مانده :** به کشورهای **صنعتی و ثروتمند** توسعه یافته می گویند و **کشورهای دیگر** عقب مانده یا **توسعه نیافته** یا در **حال توسعه** می گویند که باید کشورهای توسعه یافته را الگوی خود قرار دهند و مسیر پیشرفت آنها را دنبال کنند . (دیدگاه طولی) .

● **مرکز - پیرامون :** کشورهای **صنعتی و پیشرفته** مرکز گفته می شود و کشورهای **ضعیف و فقیر پیرامون** گفته می شود .

● جوامع غربی و مرکز چالش های درونی جامعه خود را از طریق بهره کشی کشورهای پیرامونی و غیر غربی حل می کنند و با انتقال ثروت جوامع پیرامونی رفاه کارگران و اقشار ضعیف جامعه خود را افزایش می دهند و مشکلات حاد جامعه خود را به پیرامونی انتقال می دهند . آنها با **سرمایه گذاری های مشترک و معاهدات بین المللی** ثروت جوامع پیرامونی را به مرکز انتقال می دهند .

● **استعمار و استعمار گر :** این اصطلاح فقط محدود به **بعد اقتصادی** نمی شود بلکه به **بعد فرهنگی** نیز اشاره دارد از این نظر که مشکل کشورهای فقیر فقط ضعف اقتصادی نیست بلکه **خودباختگی** آنها به جوامع غربی نیز هست .

● **تقابل شمال و جنوب** تقابلی **جهانی** است . در صورتی که این چالش فعال شود بسیاری از چالش های درونی کشورهای غربی (چالش فقر و غنا) باز دگر بار فعال خواهد شد .

به نظر شما میان چالش فقر و غنا در کشورهای اروپایی و چالش های زیر چه رابطه ای وجود دارد؟

۱- شکل گیری بلوک شرق و غرب در جهان: **جواب:** کشورهای وابسته به بلوک شرق مانند: چین، کوبا، ونزوئلا، کره شمالی و کشورهای وابسته به بلوک غرب مانند: ترکیه و کشورهای آسیای میانه.

۲- ایجاد تقابل شمال و جنوب در جهان: **جواب:** کشورهای ثروتمند را شما و کشورهای فقیر را جنوب می نامند. شمال و جنوب یک جغرافیا نیست بلکه مفهوم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است.

Samadi